
بازخوانی مقاصد شریعت در منابع فقهی امامیه و اهل سنت

فاطمه نظری^۱

علی سائلی^۲

چکیده

مقاصد شریعت عبارت از اهداف و غایاتی است که شارع حکیم، آن را در تشریعات خود لحاظ کرده و وصول به آن اهداف و مقاصد، مطلوب و مورد عنایت اوست. مقاصد شریعت دارای مراتب سه‌گانه ضروریات، حاجیات و تحسینیات است. ضروریات شامل پنج اصل حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال است که به آن مقاصد کلی شریعت گفته می‌شود. برخی علمای مقاصدی، تعداد مقاصد ضروری را در همین پنج مورد منحصر دانسته‌اند؛ اما به نظر می‌رسد حصری در این زمینه وجود ندارد و امکان عقلی افزایش آن با توجه به شرایط زمان و مکان، منتفی نیست. این نوشتار به روش تحلیلی-توصیفی و با نگاهی متفاوت به بررسی مقاصد شریعت در منابع فقهی امامیه و اهل سنت پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در اصول کلی مقاصد شریعت، بین فقهای مسلمان اتفاق نظر وجود دارد و فقط تعابیر مختلف است و این که

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۵/۱۱ تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

۱. دانش‌پژوه سطح ۴ جامعه الزهراء (ع) رشته فقه و اصول (نویسنده مسئول)؛ fatimeh_na_110@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ع) العالمیه؛ alisaeli1963@gmail.com

هریک از اندیشمندان امامیه و اهل سنت از زاویه‌ای خاص به مقاصد شریعت نگریسته‌اند و همین مسئله، موجب اختلافاتی در شاخه‌های بحث شده است. **واژگان کلیدی:** مقاصد، شریعت، مقاصد شریعت، فقه امامیه، فقه اهل سنت.

مقدمه

مقاصد شریعت، از مباحث مهم علم اصول است که از دیرباز مورد توجه و بحث دانشمندان اسلامی بوده. این بحث را اولین بار امام محمد غزالی (متوفای ۵۰۵ق) مطرح کرده و بخشی از کتاب او با نام «المستصفی» به تحقیق در مورد مقاصد شریعت اختصاص یافته. اما اولین کسی که این بحث را به صورت علم درآورد، ابواسحاق شاطبی (متوفای ۷۹۰ق) است. وی در کتاب خود با نام *الموافقات* به صورت تفصیلی و گسترده به این موضوع پرداخته است. بعد از وقفه‌ای طولانی و رکود علمی در طرح مباحث مقاصد شریعت، ابن عاشور (متوفای ۱۳۹۳ق) این نظریه را تقویت کرد و کتاب خود را با عنوان *مقاصد الشریعة الاسلامیة* منتشر ساخت. بعد از ابن عاشور هم افراد زیادی به طرح مباحث مقاصد شریعت پرداختند؛ ولی بیشتر با رویکرد تنقیح و تبیین نظریات پیشینیان بوده است.

در نگاهی کلی، به دست می‌آید که از جرگه اندیشوران مقاصدی، جوینی و غزالی که جزء متقدمین این عرصه نیز به شمار می‌آیند، بیشتر به کلیات مقاصد توجه کرده و آن را تبیین نموده‌اند. اما پس از آن، کم‌کم زمینه فراهم می‌شود تا به جزئیات احکام شریعت با نگاه مقاصدی پرداخته شود. از زمان ظهور فکر مقاصد شریعت تا زمان ابن عاشور، آثار زیادی در زمینه مقاصد شریعت نوشته شده است؛ اما ابداع و نظریه پردازی، به ندرت مشاهده می‌شود و فقط بیانات و شیوه ورود به بحث و ساختار ظاهری بحث، مختلف و متفاوت می‌گردد.

اگرچه علمای عامه در طرح مباحث مقاصد شریعت پیشتاز بوده‌اند، اندیشمندان شیعه هم با این‌که در آثارشان سخنی از مقاصد شریعت به میان نیاورده‌اند، در عمل از مقاصد شریعت بهره گرفته‌اند. شاهد بر این مدعا کتاب‌هایی است که از سده‌های دوم و سوم هجری با عنوان «علل الشرایع» یا «علل الشریعة» توسط علمای شیعه، و با هدف تبیین اهداف شریعت و حکمت‌های احکام به نگارش درآمده است. از این آثار می‌توان به *علل الشرایع* مفضل بن عمر جعفری (متوفای قرن دوم هجری)، *العلل* فضل بن شاذان (متوفای ۲۶۰ ق)، *علل الشریعة* حسین بن علی بن شیبان قزوینی (متوفای قرن چهارم هجری)، *العلل* محمد بن ابراهیم بن محمد همدانی (متوفای قرن سوم هجری) و *علل الشرایع والاحکام* شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) اشاره کرد.

با توجه به این‌که نوع نگرش در مباحث پایه‌ای و مبنایی مقاصد شریعت، باعث مترتب شدن آثار آن بر احکام ناشی از به‌کارگیری مقاصد شریعت در عرصه‌های مختلف فقه می‌شود، بر آن شدیم تا ضمن بازخوانی مباحث اساسی مقاصد شریعت مانند تعریف، اقسام، مراتب، به رابطه آن با علت‌ها و حکمت‌های احکام به اشتراکات و اختلافات فقها درباره آن‌ها پردازیم.

۱. مفهوم مقاصد شریعت

مقاصد، جمع مقصد، از ریشه قصد است. در لغت، به معنای آوردن چیزی، عدل، راه هموار، تکیه کردن و رو آوردن، راه میانه‌رو و تبیین است (طریحی، ۱۴۱۶ ق، ۱۲۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ۹۵؛ جوهری، ۱۴۱۰ ق، ۵۲۴ و ۵۲۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ۶۷۲؛ ابن منظور مصری، ۱۴۱۴ ق، ۳۵۳) و در اصطلاح، به معنای اهدافی است که رسیدن به آن‌ها مطلوب و مورد نظر است.

شریعت از ریشه «شَرَع»، به معنای قرار دادن سنت و آئین (لویس معلوف، بی تا، ۳۸۲)، راه روشن و آشکار (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۴۵۱)، بالا بردن (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۲۴۰/۱۱) است. در اصطلاح، به مجموعه مقررات همگانی الهی گفته می شود که عمل به تعالیم آن، باعث رشد معنوی انسان می شود. مراد از مقاصد شریعت، اهداف و چشم اندازهایی است که کسب آن ها مقصود و مورد نظر شارع حکیم بوده است؛ از این رو احکام شریعت را به منظور دستیابی به آن اهداف و چشم اندازها طراحی و تنظیم کرده است. با استقرای در آیات قرآن کریم و روایات، به این نتیجه می رسیم که هدف عالی شریعت، رسیدن به مقام عبودیت و بندگی است. برای رسیدن به این جایگاه، خطوطی ترسیم شده که مقاصد شریعت نام گرفته است. این خطوط به صورت انشعابات هستند که انسان را از احکام شرع به مقام عبودیت و قرب الهی، که هدف نهایی آفرینش است، می رساند. خطوط کلی شریعت، عبارت از: حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال است. اهمیت حفظ هریک از این ها از آن روست که انسان را به مقصد عبودیت می رساند و خط وصل انسان به مقام قرب الهی است. ارزش وجودی احکام شریعت هم، از آن روست که انسان را به مقاصد پنج گانه هدایت می کند و هر قدر به مقاصد نزدیک تر باشد، ارزش و اهمیت بیشتری دارد؛ به این معنا که ارزش گذاری آن ها با توجه به مقصد و سنجش با آن در نظر گرفته می شود. طبیعتاً هر عملی به هر میزان که بیشتر تأمین کننده مقصد عالی شریعت باشد، دارای جایگاه ارزشمندتری خواهد بود.

به عبارت دیگر، هریک از مقاصد پنج گانه شریعت، ابزارهایی برای وصول به مقصد عالی شریعت هستند و هریک از این مقاصد، می توانند وسیله ای برای رسیدن به مقصد دیگر نیز قرار گیرند. مثلاً عقل، که حجت درونی است، با کمک حجت بیرونی یعنی پیامبران الهی در خدمت نفس قرار می گیرد تا وسیله ای برای حاکم شدن دین خدا در زمین باشد و انسان ها را به عالی ترین مقام متصور برساند.

حفظ برخی مقاصد پنج‌گانه، هم با عمل فردی محقق می‌شود و هم با عمل جمعی؛ مانند حفظ دین که گاه با تشریع حکم و جوب جهاد است و گاه به عمل فردی که هر کسی با اعمال خاصی باید دین خود را حفظ کند؛ یعنی اعمالی انجام دهد که به حفظ دین بینجامد و از اعمالی که به نابودی دینش منتهی می‌شود، پرهیزد.

۲. تعاریف دانشمندان از مقاصد شریعت

از ابتدای شکل‌گیری نظریه مقاصد شریعت، تا زمان شاطبی در قرن هشتم هجری، که اندیشه مقاصدی به اوج شکوفایی و بالندگی خود نائل آمد و بسیاری از زوایای پیدا و پنهان آن مورد بحث و کنکاش علما قرار گرفت، هیچ‌گونه تعریفی از مقاصد ارائه نگردید. بعد از رکود علمی چندصدساله، ابن عاشور اولین کسی است که تعریفی از مقاصد شریعت ارائه نمود. پس از او مقاصدگرایان و نویسندگان کتب مقاصدی، هر یک به سهم خود به بیان تعریفی از مقاصد شریعت پرداختند. آن‌ها در تعریف مقاصد شریعت از تعبیرات و مفاهیم گوناگونی استفاده کردند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۱. تعریف مقاصد شریعت به معانی و حکم

ابن عاشور (متوفای ۱۳۹۳ق) می‌گوید: «مقاصد شریعت، معانی و حکمت‌هایی است که اختصاص به نوع خاصی از احکام شریعت ندارد؛ بلکه شارع آن‌ها را در همه احوال، تشریع یا بخش اعظم آن لحاظ کرده است» (ابن عاشور، ۱۴۲۵ق، ۳/۱۶۵).
 باین بیان، اوصاف شریعت مثل فطرت، سماحت و یسر، غایت عامه شریعت یعنی جلب مصلحت و دفع مفسده و معانی مورد عنایت شارع که در همه ابواب شریعت یا بیشتر آن جریان دارد مثل رفع حرج و ضرر داخل در تعریف مقاصد شریعت خواهد بود (نعمان جغیم، ۱۴۳۵ق، ۲۶).

۲-۲. تعریف مقاصد شریعت به علل و مصالح

آیت الله جعفر سبحانی، مقاصد را این گونه تعریف می کند: «علل و مصالح و اغراضی که به تشریع حکم شرعی دعوت می کند» (سبحانی، ۱۳۸۳ ش، ۳۶۴).

شاطبی (متوفای ۷۹۰ ق) نیز اگرچه رسماً مقاصد شریعت را تعریف نکرده، از مقاصد همین معنا را اراده نموده است. وی می گوید: «اعمال شرعی، به خودی خود مورد نظر نیستند؛ بلکه معانی آن یعنی مصالحی که احکام به خاطر آن تشریع شده، مورد نظر است» (شاطبی، ۱۴۱۷ ق، ۳/ ۱۲۱-۱۲۲).

۲-۳. تعریف مقاصد شریعت به غایت و اسرار

وهبه الزحیلی، مقاصد را علاوه بر معانی و اهدافی که در همه یا بخش اعظم احکام شرع لحاظ شده است، غایت و اسراری تلقی می کند که شارع آن را هنگام تشریع همه احکام وضع کرده است (الزحیلی، ۱۴۰۶ ق، ۲/ ۱۰۱۷).

علال الفاسی نیز در تعریف مقاصد، دو مؤلفه غایت شریعت و اسرار آن را مورد توجه قرار می دهد (علال الفاسی، ۱۹۹۳ م، ۷).

اگرچه تعاریف مقاصد شریعت در لسان علمای دین با بیانات مختلفی ذکر شده است، می توان از همه آن ها مفهوم مشترکی اخذ نمود و آن، هدفمندی احکام شریعت است؛ با این تفاوت که بعضی از تعریف ها ناظر بر مقاصد کلی است، برخی در صد بیان مقاصد و اهداف جزئی شریعت هستند و برخی نیز ناظر بر هر دو نوع مقصد هستند؛ مانند نورالدین الخادمی که مقاصد را به معانی لحاظ شده در احکام شرعی تعریف می کند که این معانی، ممکن است حکمت های جزئی یا مصالح کلی باشد؛ اما همگی در ضمن یک هدف اصلی قرار می گیرند که همان عبودیت خداوند و مصلحت انسان در دنیا و آخرت است (الخادمی، ۱۴۲۱ ق، ۱۷).

احمد الریسونی، از اندیشمندان معاصر، در تعریف مقاصد شریعت که آن را ناظر

بر تعریف‌های اندیشمندان علم مقاصد پیش از خود می‌داند، می‌گوید: «مقاصد شریعت، غایاتی است که احکام شریعت به‌خاطر تحقق آن و با هدف تأمین مصلحت بندگان وضع شده است» (الریسونی، ۱۴۱۲ق، ۷).

اشکالی که به این تعاریف وارد است، این است که اولاً مرز بین مقصد و دیگر مفاهیم مانند علت، حکمت، نتایج، فواید، اسرار و مصالح مشخص نشده است؛ درحالی‌که هیچ‌یک از این‌ها در عین ارتباط و اتصال با مقاصد شریعت، داخل در تعریف آن نیستند. ثانیاً مقاصد، اهداف کلی شارع هستند و ثالثاً: عبودیت، هدف اصلی فراتر از شریعت است و لذا تحت مقاصد شریعت قرار نمی‌گیرد؛ بلکه اگر شریعت را مانند هر می در نظر بگیریم، عبودیت در رأس آن واقع می‌شود.

با توجه به این ملاحظات، در تعریف مقاصد شریعت می‌گوییم: «اهداف کلی شارع که در تشریع احکام شریعت لحاظ شده است».

با این تعریف، علاوه بر علت‌ها و حکمت‌های احکام، فواید و نتایج احکام که در مسیر رسیدن به اهداف به دست می‌آید، از تعریف مقاصد شریعت خارج می‌شود و فقط اهداف کلی در تعریف مقاصد شریعت باقی می‌ماند.

۳. اثبات وجود مقاصد برای شریعت

برای اثبات هدفمندی شریعت، می‌توان به آیات، روایات و عقل استدلال نمود.

۳-۱. دلالت آیات قرآن کریم بر اهداف شریعت

– آیه یازدهم سوره مبارکه شورا دلالت می‌کند بر این‌که هدف نکاح، بقا و ازدیاد نسل بشر است.^۱

۱. «جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّوْكُمْ فِيْهِ»؛ از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفت‌هایی از چهارپایان آفرید و شما را به این وسیله زیاد می‌کند.

- آیه ۱۹۳ سوره بقره، فلسفه جهاد و مبارزه با دشمنان دین را حاکم شدن دین خدا و گسترش اسلام بیان می‌کند.^۱ حفظ جان انسان‌ها در آموزه‌های دینی، به قدری اهمیت دارد که کشتن انسانی به ناحق و بدون این‌که مرتکب قتل یا ظلمی شده باشد، برابر با کشتن همه انسان‌هاست و نجات جان یک انسان، با نجات جان همه انسان‌ها برابری می‌کند.^۲

- در سوره نساء، آیات پنجم و ششم، از پرداخت اموال به سفیهان منع شده است و نسبت به حفظ اموال یتیمان سفارش شده.^۳ این میزان از توجه، گواه بر آن است که حفظ اموال برای شریعت، دارای جایگاه ویژه‌ای است و به همین منظور، دستور حفظ و مراقبت از اموال کسانی را داده که احتمال دارد خودشان توان و صلاحیت لازم برای جلوگیری از حیف و میل شدن یا دستبرد به اموالشان را نداشته باشند. همه این‌ها دلیل روشنی است بر این‌که حفظ مال، از اهداف و مقاصد شرع است؛ ازاین‌رو در جایی که احتمال از دست رفتن اموال بوده است، شارع حساسیت نشان داده و دستورهای لازم را صادر کرده. همه دستورهای دینی مبنی بر پرهیز از اسراف، قناعت نمودن، حرمت قمار و در مسائل دنیایی به پایین‌تر از خود نگاه کردن، می‌تواند از یک بُعد، ناظر بر مسئله حفظ مال که از اهداف مورد نظر شارع است، باشد.

۱. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»؛ و با آن‌ها پیکار کنید تا فتنه باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد».

۲. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»؛ هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، گویی همه انسان‌ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، گویی همه مردم را زنده کرده است» (مأئده، آیه ۳۲).

۳. «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»؛ اموال خود را که خداوند، وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید. «وَابْتَئُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»؛ و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، ببازمایید. اگر در آن‌ها رشد یافتید، اموالشان را به آن‌ها بدهید».

۳-۲. دلالت روایات بر اهداف شریعت

- در روایتی صحیح که سلسله سند آن از اجلای روات هستند، نقل شده است که امام صادق (ع) در جواب سؤال جمیل بن دراج در مورد حلال و حرام فرمودند: «هیچ چیزی نیست، مگر این که به خاطر چیز دیگری تشریع شده است»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ۸/۱).

علامه مجلسی در تبیین این روایت، می‌گوید که «همه احکام خداوند، به خاطر حکمتی تشریع شده است. بنابراین، همه حلال‌ها و حرام‌های الهی، به خاطر حُسن و قبحی که دارند، حکم حلیت یا حرمت بر آن‌ها بار شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۱۰/۶).

تشریعات احکام، نمی‌تواند بی حساب باشد؛ بلکه هر چیزی به خاطر علت مشخصی، که حاکی از مصلحت یا مفسده آن فعل است، حلال یا حرام گشته است. اقتضای حکمت خداوند، آن است که تشریع هر حکمی، از مصلحت یا مفسده‌ای که مرتبط با آن فعل است، تبعیت کند. از این رو این روایت دلالت می‌کند بر این که همه احکام خداوند، دارای علت و حکمت هستند و خداوند از تشریع آن‌ها هدفی را پی می‌گیرد.

- امام جعفر صادق (ع) در جواب سؤال هشام بن حکم در مورد علت روزه می‌فرماید: «خداوند، روزه را واجب کرد تا با آن فقیر و غنی برابر شوند؛ زیرا غنی باید طعم گرسنگی را بچشد تا حال فقرا را درک کند و به آنان رحم نموده و به ضعفا کمک نماید»^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ۷۳/۲).

۱. «عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فَقَالَ إِنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ شَيْءٌ إِلَّا لِشَيْءٍ».

۲. «إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الصِّيَامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ وَالْفَقِيرُ وَذَلِكَ أَنَّ الْغَنِيَّ لَمْ يَكُنْ لِيَجِدَ مَسَّ الْجُوعِ فَيَرْحَمَ الْفَقِيرَ لِأَنَّ الْغَنِيَّ كُلَّمَا أَزَادَ شَيْئًا قَدَّرَ عَلَيْهِ فَأَزَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُسَوِّيَ بَيْنَ خَلْقِهِ وَأَنْ يُذِيقَ الْغَنِيَّ مَسَّ الْجُوعِ وَالْأَلَمَ لِيَرَقَّ عَلَى الضَّعِيفِ فَيَرْحَمَ الْجَائِعَ».

- در روایت صحیح دیگری، امام رضا علیه السلام در جواب مکتوبه محمد بن سنان که از علت برخی احکام شرع سؤالاتی کرده است، می‌فرماید: «علت زکات، قوت بخشیدن به فقرا و همچنین حفظ اموال ثروتمندان است...»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ۲/ ۸۹).

این دو روایت با اسناد صحیح، علت وجوب بعضی احکام شریعت را تبیین می‌کنند. این مطلب، بیانگر آن است که پرسش از تعلیلات احکام در آن برهه زمانی، امر متعارف و مرسوم بوده است؛ ازاین‌رو این دو روایت و صدها روایت دیگری که از ائمه معصومین علیهم السلام در مورد تعلیلات احکام شریعت صادر شده است، از اقبال عمومی شیعیان به سمت درک علت و فلسفه احکام در زمانی نزدیک به عصر تشریع حکایت می‌کند.

هدف از ذکر دلایل قرآنی و روایی برای اثبات مقاصد شریعت، اثبات اجمالی هدفمندی شریعت است. بنابراین، جای این اشکال باقی نمی‌ماند که آیات و روایات ذکرشده، بیشتر ناظر بر حکمت‌ها هستند و نه مقاصد.

۳- ۳. دلالت عقل بر اهداف شریعت

اثبات هدف‌داری شریعت از طریق برهان حکمت، امکان‌پذیر است؛ با این بیان که از صفات خداوند متعال، حکیم بودن است. حکمت خداوند، اقتضا می‌کند که هیچ کاری را از روی لغو و بیهودگی انجام ندهد. لذا تشریعات احکام نیز حکیمانه و دارای هدف و غایت است؛ در غیر این صورت، لغویت در کار خداوند لازم می‌آید که با حکمت او منافات دارد. برخی آیات قرآن کریم هم به حکیمانه بودن خداوند در تشریع دلالت می‌کند؛ مانند آیه ۲۲۰ سوره بقره که در این آیه، سرپرستی یتیم و به عهده گرفتن و اصلاح امور مالی او همراه با نوعی سهل‌گیری تشریع شده است؛ زیرا خداوند

۱. «عَلَّةُ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبُلُوَى كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ».

می‌فرماید که اگر مال شما با مال یتیم آمیخته شود، اشکالی ندارد. در اینجا حکمت خداوند، مانع تشریع تکالیف سخت و طاقت‌فرسا بر بندگان می‌شود؛ زیرا هدف، حفظ مال یتیم است و اگر در چگونگی حفظ اموال او سخت‌گیری شود، انسان‌ها این مسئولیت را نمی‌پذیرند.

۴. مصادیق مقاصد شریعت

دانشمندان، مقاصد شریعت را بر اساس اولویت، به سه قسم: ضروریات، حاجیات و تحسینیات تقسیم کرده‌اند. اکنون با ذکر مثال، به توضیح هریک از این موارد می‌پردازیم.

۴-۱. ضروریات

ضروریات، قوی‌ترین مراتب مقاصد است که شامل پنج اصل حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال می‌شود. به این پنج اصل، مقاصد کلی شریعت اطلاق می‌گردد. هریک از این مقاصد پنج‌گانه، هدف و مقصود بخشی از احکام شریعت است. هدف از حکم شرع به قتل کافر گمراه‌کننده^۱ و مجازات شخص بدعت‌گذاری که مردم را به بدعتش دعوت می‌کند، حفظ دین است. هدف از وجوب قصاص، حفظ نفس است. حدّ شرب خمر و مست‌کننده‌های دیگر، با هدف حفظ عقل که ملاک تکلیف انسان است، واجب شده. هدف و غرض مولا از وجوب حدّ زنا، حفظ نسل و انساب است و اموری مانند منع از غصب و دزدی اموال دیگران، تأمین‌کننده هدف مولای حکیم در حفظ مال است. همه شرایع در این اصول پنج‌گانه اتفاق نظر دارند و اگر اختلافی وجود داشته باشد، فقط در جزئیات است (غزالی، ۱۴۱۳ق، ۱۷۴).

۴-۲. حاجیات

حاجیات مقاصدی هستند که در حدّ ضروریات نیستند؛ اما مورد نیاز و محلّ

۱. غزالی برای مقصد حفظ دین، قتل کافر مضلّ را به عنوان مثال ذکر می‌کند؛ اما فاضل مقداد از قتل کافر مرتد سخن به میان می‌آورد.

حاجت عامه مردم است. به قول شاطبی، احساس نیاز به آن از لحاظ توسعه و رفع ضیق است که غالباً به حرج و سختی بینجامد (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ۲/۲۱)؛ مانند ولایت پدر در ازدواج دختر باکره اش. این ولایت در حدّ ضرورت نیست؛ ولی وجود آن لازم است. لزوم اذن پدر در نکاح دختر باکره، از آن روست که وی در این موقعیت به داشتن حامی دلسوز و خیرخواه نیاز دارد و مشفق‌ترین و خیرخواه‌ترین فرد به دختر، پدر اوست که می‌تواند فرزندش را مراقبت کند و اقتدار مردانه او محافظ دختر از چشم‌های ناپاک هوس‌بازان باشد.

با توجه به تعریف شاطبی، فرق ضروریات با حاجیات، این است که اگر به ضروریات خللی وارد شود، کل شریعت از هم می‌پاشد؛ ولی در حاجیات این‌طور نیست. با همین ملاک مهم، می‌توان ضروری را از حاجیه تشخیص داد. کسانی که حاجیات را به جای ضروریات اخذ کرده‌اند، به این نکته و این معیار توجه نداشته‌اند یا در تشخیص موضوع، دچار اشتباه شده‌اند؛ مانند کسانی که عرض را از مقاصد ضروری دانسته‌اند که اگر این مسئله در جامعه بشری بین افراد مراعات نشود، مردم دچار سختی و حرج می‌شوند؛ چون افراد پیوسته باید بخشی از هم و غمشان را برای صیانت از آبرو و ناموسشان به کار گیرند؛ ولی این اتفاق، به حدّی نیست که باعث فروپاشیدن نظام زندگی انسان‌ها شود؛ از این رو جزء حاجیات به شمار می‌آید.

۴-۳. تحسینات

برخی از مقاصد، نه در رتبه ضروریات قرار دارد و نه حاجات؛ بلکه امری است که باعث بهبود زندگی خلایق می‌شود و آسانی امور و رفاه زندگی را به دنبال دارد؛ مانند برطرف کردن نجاست، رعایت آداب خوردن و آشامیدن (رک: شاطبی، ۱۴۱۷ق، ۲/۲۲-۲۳)، رعایت آداب اجتماعی، ارتقای سطح فرهنگ و بهبود ارتباطات اجتماعی مردم و... .

شاطبی مقاصد شریعت را در این سه قسم منحصر می‌داند (الشاطبی، ۱۴۱۷ق، ۱۷/۲)؛ درحالی‌که این اقسام از هم مستقل نیستند؛ بلکه مکمل هم هستند (الزحیلی، ۱۴۰۶ق، ۱۰۲۶). بنابراین، بین آن‌ها تباین، که از شرایط تقسیم است، وجود ندارد. از همین رو، شایسته است که ضروریات، حاجیات و تحسینیات را مراتب مقاصد شریعت قلمداد کنیم. به تعبیر دقیق‌تر، ضروریات، اصول کلی شریعت‌اند که مستقیماً مورد نظر شارع هستند و حاجیات، اوصاف و ضوابطی هستند که برای اجرای صحیح آن اصول لازم است. بر همین اساس، تحسینیات هم اوصاف و شرایطی هستند که در مرتبه نازل‌تر از حاجیات قرار دارند و نوعی پیرایه برای حاجیات به شمار می‌آیند. با این وصف، مقاصد شریعت درواقع چیزی جز ضروریات نیست همراه با اوصاف و شرایطی که دانشمندان مقاصدی، از آن به حاجیات و تحسینیات تعبیر نموده‌اند.

اما در مورد تعداد مقاصد ضروری، برخی آن را در همین پنج مورد منحصر دانسته‌اند (آمدی، بی‌تا، ۲۷۴/۳؛ ابن امیر الحاج، ۱۴۰۳ق، ۱۴۴/۳). بعضی هم اعتقادی به حصر ندارند؛ از این رو مواردی را اضافه، یا چیزی را از آن کم کرده‌اند (الحسنی، ۱۴۱۶ق، ۲۹۹؛ ابن تیمیه، ۳۴۳/۱۱).

برای مثال، می‌توان گفت حفظ عقل به حفظ نفس برمی‌گردد؛ با این بیان که نفس در دو معنای جسم و روح به کار رفته است (سعدی ابوجیب، ۱۴۰۸ق، ۳۵۷؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ۳۴۱/۸) انسان نیز دارای دو بُعد جسمانی و روحانی یا به تعبیر دیگر، دارای دو نشئه ملکی و ملکوتی است. آیه مبارکه قرآن کریم هم بر این مسئله دلالت می‌کند.^۱ جسم، شامل بدن و کالبد مادی انسان، و روح شامل عقل، نیروی فکر و اندیشه و احساسات او می‌شود. از آنجاکه مخاطب احکام شریعت

۱. «إِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، آیه ۲۹).

انسانها هستند، این احکام باید هر دو بُعد وجودی انسان را پوشش دهند. استقرای در احکام شریعت نیز ما را به این نکته رهنمون می‌کند. بنابراین، حفظ نفس، هم حقوق مادی انسان را دربرمی‌گیرد و هم حقوق معنوی. بر همین اساس، حرمت تعرض به انسان، علاوه بر جسم و بدن او، شامل شخصیت و روان او نیز می‌شود.

بنابراین، انحصار ادعاشده در مورد تعداد مقاصد ضروری شریعت، نادرست است و از این رو امکان عقلی تغییر آن منتفی نیست؛ زیرا بنا به مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی، امکان عقلی افزایش یا کاهش مقاصد شریعت وجود دارد. برخی معاصران مانند العلوانی، تقسیم‌بندی متمایزی از مقاصد شریعت ارائه کرده‌اند^۱ (العلوانی، ۱۴۳۱ق، ۱۴۵) و این شاهد دیگری است که این بحث قابلیت و پذیرش تغییر و تطور را دارد.

توجه به مقاصد شریعت، باید به ترتیب اولویت مورد لحاظ قرار گیرد. به اقتضای همین اولویت، اگر اصول پنج‌گانه با هم تعارض کنند، باید مطابق ترتیب ذکرشده، مقاصد حفظ شوند. در تعارض حفظ دین و حفظ عقل یا مال، بدون شک حفظ دین مقدم خواهد بود؛ زیرا عقل و مال، وسایلی برای حفظ دین و در خدمت آن هستند. اگر حفظ دین در گرو دفاع در مقابل دشمن خدا و تسلیم نشدن در برابر او باشد، آن دفاع به خاطر حفظ دین خدا واجب است هرچند تعداد زیادی در آن مسیر گشته شوند.

۵. رابطه تعلیلات احکام با مقاصد شریعت

در میان فقهای شیعه، این مسئله اجماعی است که تمام افعال خدا [از جمله تشریع احکام] معلّل به اهداف و اغراض است (مکارم، ۱۴۲۷ق، ۳۹۴)؛ اما علمای عامه در این زمینه دو گروه هستند: گروه اول، کسانی که قائل به حجیت قیاس هستند. این طایفه از فقها به ناچار باید تعلیل احکام را بپذیرند؛ زیرا قیاس، دائر مدار علیت است

۱. وی مقاصد عالی شریعت را در سه مورد: توحید، تزکیه و عمران خلاصه می‌کند.

و لازمه پذیرش قیاس، اعتراف به علیت‌پذیری احکام است. در مقابل گروه اول، کسانی هستند که به شدت موضع مخالف دارند و معتقدند احکام شریعت، به هیچ نحو تعلیل‌پذیر نیستند.

حال سؤال این است که بنابر نظر قائلین به علیت‌پذیری احکام، بین تعلیلات احکام شریعت و مقاصد شریعت چه ارتباطی وجود دارد؟

در پاسخ این پرسش باید گفت علت‌مندی احکام شریعت، کاشف از هدف‌مندی آن احکام است. بین عقلاهم این‌گونه است که بین علت‌مندی چیزی و هدف‌مندی آن ارتباط برقرار می‌کنند. هر فعلی که از انسان عاقلی سر می‌زند، یک علت و یک هدف دارد. علتش ناشی از مصلحت و مفسده‌ای است که بر فعل بار می‌شود و هدفی نیز بر آن مترتب می‌گردد. برای مثال، کسی که متکفل زندگی همسر و فرزندانش است، با هدف تأمین رفاه و آسایش خانواده، در صدد تهیه و تدارک امکانات لازم برای تحقق این هدف بر می‌آید. برای این منظور، با کار و تلاش زیاد، خانه و خودرو می‌خرد. علت خرید خانه، تأمین آرامش و سلامت جسمی و روانی خود و خانواده‌اش است و علت خرید خودرو، سهولت و امنیت در رفت و آمد است. در حقیقت، خرید خانه و خودرو دو پل برای رسیدن به هدف رفاه و آسایش او هستند.

در احکام شریعت نیز همین قاعده جریان دارد. تعلیلات احکام نشان‌دهنده آن است که شارع حکیم، هدف و غایتی والا دارد که رسیدن به آن هدف، دارای بسی اهمیت است. هدف‌داری او اقتضا می‌کند برنامه جامعی نیز برای وصول به آن هدف پی‌ریزی، و احکامی برای مکلفین جعل کرده باشد که هریک دارای علت مشخصی هستند و عمل طبق آن‌ها به تحقق آن اهداف می‌انجامد. اهتمام مولا برای رسیدن این احکام به مکلفین، که با ارسال رسل و انزال کتب همراه بوده است، توجه ویژه‌ای برای کشف اهداف و غایات شریعت و عمل کردن طبق آن را می‌طلبد.

ارتباط تعلیلات احکام با مقاصد شریعت، رابطه علت غایی و غایت است. علت غایی با وجود علمی اش، علتی است که فاعل را برای صدور فعل برمی انگیزاند و غایت، همان وجود عینی معلول در خارج است. علت غایی، مثل نهی از فحشا نسبت به نماز که به خاطر مصلحت موجود در ملاک، باعث جعل حکم وجوب از ناحیه مولا شده است؛ اما غایت این فعل بعد از صدور آن توسط مکلف محقق می شود (ر.ک: نجم آبادی، ۱۳۸۰، ۱/۱۹۸ و ۱۹۹). به عبارت دیگر، تعلیلات و مصالح و مفاسد با صورت ذهنی و تصویری خود، منشأ جعل حکم شرعی هستند و حقیقت خارجی آن ها غایات و مقاصد شریعت است. بنابراین، مقاصد شریعت همان مصالح و علل جعل احکام است؛ اما با تحقق خارجی آن ها و همین فرق، باعث می شود که مقاصد شریعت و مصالح و علل احکام، دو چهره یک حقیقت باشند.

فقه های امامیه از ابتدا توجهشان به علل غایی معطوف بوده؛ زیرا علل غایی از پشتوانه قوی و قابل اعتماد عصمت و نصوص دینی برخوردار است؛ اما اهل سنت به دلیل نداشتن این پشتوانه و همچنین به دلایل دیگری، از علل غایی چشم پوشی کردند و به غایات، که همان مقاصد شریعت است، پرداختند.

۶. رابطه حکمت احکام با مقاصد شریعت

حکمت، عبارت از مصلحتی است که شارع مقدس در وضع احکام شریعت آن را لحاظ کرده است. تفاوت بین حکمت و علت، آن است که در حکمت، قید انضباط^۱ اخذ نشده؛ از این رو شارع آن را اماره بر حکم شرعی قرار نداده است (حکیم، ۱۴۱۸ق، ۲۹۶)؛ به این معنا که هر گاه حکمت موجود باشد، نمی توان قاطعانه گفت

۱. اخذ قید انضباط در علت، به این معناست که همواره از علت به حکم شرعی دست پیدا می کنیم؛ ولی از حکمت، غالباً به حکم شرعی نمی رسیم؛ لذا می گوئیم در حکمت قید انضباط اخذ نشده است.

که حکم هم موجود است؛ مانند استحباب غسل جمعه که حکمت آن، پاکیزگی جسم و تن است؛ اما این پاکیزگی سبب جعل حکم نشده است؛ که اگر چنین بود، همواره برای پاکیزگی، غسل استحباب می یافت؛ درحالی که چنین نیست.

اما علت حکم این طور نیست؛ زیرا علت، با ثبوت حکم تلازم دارد و هر جا علت موجود باشد، حکم هم محقق خواهد شد. بنابراین، حکم از نظر وجودی و عدمی، دایر مدار علت است؛ ولی بین حکم و حکمت آن چنین دورانی وجود ندارد (محمدی بامیانی، ۱۴۳۰ق، ۴/۲۱۰).

به عبارت دیگر، حکمت های احکام مانند فواید و نتایجی هستند که بر فعل مترتب می شوند؛ مانند آن که علت تشریع حکم نکاح، حفظ نسل است و بر حکم نکاح، آثار و فوایدی بار می شود که اگرچه علت تشریع حکم نبوده است، شارع آن ها را در تشریع حکم مورد توجه قرار داده است؛ مانند حفظ عفت و پاکی زوجین، ایجاد آرامش در زوجین، حفظ خانواده به عنوان کانون ایجاد محبت و آلفت بین زوجین و فرزندان.

بر این اساس، حکمت های احکام در عین اتصال و وجه مشابهتی که با مقاصد شریعت دارد، از آن حیث که هر دو مشتمل بر مصلحت هستند و مصلحت های موجود در حکمت های احکام، زمینه ساز تحقق مصلحت های کلی مقاصد شریعت هستند، نسبت بین آن دو تباین است؛ زیرا ضرورتی که در مقاصد شریعت لحاظ شده است، در حکمت وجود ندارد.

۷. ویژگی ها و مختصات مقاصد شریعت

شناخت ویژگی های مقاصد شریعت، ما را در شناخت بهتر آن و تشخیص مقاصد از غیر مقاصد یاری خواهد کرد؛ از این رو در ادامه به تبیین چهار ویژگی مهم مقاصد شریعت می پردازیم.

۷-۱. شرعی و دینی بودن مقاصد

شریعت، مجموعه مقررات الهی است که در قالب اوامر و نواهی خداوند متعال از طریق کتاب و سنت به دست ما رسیده. این اوامر و نواهی، تأمین‌کننده سعادت دنیوی و رستگاری اخروی انسان است. تمام آموزه‌های دینی، بر پایه ارتباط و اتصال بین این دنیا و دنیای دیگر استوار است. بر این اساس، مقاصد شریعت نیز باید دربردارنده مصالح دنیا و آخرت به صورت توأمان باشد.

جلب مصالح و دفع مفاسد، از این حیث مورد توجه و معتبر است که زندگی این دنیا تأمین‌کننده سعادت حیات اخروی انسان است. بنابراین، جلب مصلحت و دفع مفسده باید برخاسته از شرع باشد، نه ناشی از هواها و امیال نفسانی انسان‌ها (شاطبی، ۱۴۱۷ق، ۲/۶۳).

به بیان دیگر، مقاصد شریعت، غایات شریعت است و غایات شریعت هم به طور مسلّم در چارچوب و دایره شریعت قرار دارد؛ پس مقاصد شریعت هم در قلمرو و محدوده شریعت واقع می‌شود و این، معنای شرعی بودن مقاصد است.

۷-۲. عقلی بودن مقاصد

مقاصد شریعت، به خاطر مناسبتی که با فطرت انسان دارد، هر عقل سلیم و خالی از شائبه‌ای آن را می‌پذیرد (رک: الخادمی، ۱۴۱۹ق، ۲/۳۲). بازگشت این مطلب به آن است که تعالیم و آموزه‌های اسلام، منطبق بر عقل و مناسب سرشت و طبیعت آدمی است.^۱ خداوند متعال در قرآن کریم، دین خود را دین منطبق بر فطرت انسان معرفی نموده است (روم، آیه ۳۰). بر این اساس، عقل هر انسانی به زشتی و ناپسند بودن

۱. با این فرض که عقل از شئون فطرت است؛ به این معنا که فطرت را اگر با کارکرد معرفتی آن در نظر بگیریم، شامل عقل می‌شود و اگر با کارکردهای دیگری مثل کارکرد احساسی و انگیزشی در نظر بگیریم، موارد دیگری غیر از عقل را دربرخواهد داشت.

کشتن انسان بی گناه یا ظلم کردن به او حکم می کند یا این که حفظ مال و ناموس دیگران را لازم می داند. پس همان طور که مقاصد باید منطبق بر شرع باشد، باید مطابق با عقل نیز باشد.

۷-۳. یقینی بودن مقاصد یا مستند بودن به ظنون معتبره

مقاصد شریعت، نباید ظنی و مستند به حدس و گمان، تخیلات یا توهّمات باشد؛ زیرا ظنونات اگر پشتوانه علمی نداشته باشد، به هیچ وجه قابل اعتبار و اعتماد نخواهد بود. در آیات قرآن کریم هم انسان ها از تبعیت چیزی که به آن علم ندارند، منع شده اند (اسراء، آیه ۳۶) و بر این مطلب تأکید شده است که گمان، هیچ وقت انسان را به حق و حقیقت نمی رساند (یونس، آیه ۳۶). برای دستیابی به یقین، باید اعتقاد جازم پیدا شود؛ طوری که احتمال خلاف آن نرود (مظفر، بی تا، ۱/۳۲۷). بنابراین، مقاصد باید در یکی از انواع شش گانه یقینیات (اولیات، مشاهدات، تجربیات، متواترات، حدسیات و فطریات) قرار گیرد یا این که مبتنی بر یکی از ظنون معتبره باشد تا قابل استناد باشد.

دانشمندان اهل سنت، قیاس را در کنار قرآن، سنت نبوی و اجماع، از مصادر فقه به شمار می آورند (الزرقاء، ۱۴۲۵ق، ۱/۷۳). غزالی در بحث استصلاح می گوید:

مصلحتی که از نظر شرع معتبر باشد، حجت است و این حجیت، ناشی از قیاس است و منظور از قیاس، گرفتن حکم از نص معقول و اجماع است؛ مانند حکم به حرمت هر نوشیدنی یا خوراکی مست کننده در قیاس با حرمت خمر؛ بر این اساس که خمر، به خاطر حفظ عقل که ملاک تکلیف است، حرام شده است و حرمت خمر، دلیلی است بر این که شارع، مصلحت حفظ عقل را لحاظ کرده است (غزالی، ۱۴۱۳ق، ۱۷۳-۱۷۴).

برخی فقهای شیعه مانند وحید بهبهانی، قیاس منصوص العلة را حجت می دانند

(وحید بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ۴۵۱). حجیت این نوع قیاس، مشروط به فهم عرف (میرزای قمی، ۱۴۲۰ق، ۶۷۵) و حصول یقین به علت تامه بودن ملاک و علت ذکرشده در نص است؛ در غیر این صورت، حجیت نخواهد داشت. اما با توجه به این که عقل بشری از احاطه کامل به تمام ملاکات احکام، عاجز و بلکه قاصر است (وحید بهبهانی، ۱۴۲۶ق، ۲۲) و به تصریح میرزای قمی، امامیه بر بطلان آن اجماع دارند (میرزای قمی، ۱۳۸۷ق، ۳۸۸)، حجیت این قسم از قیاس هم با چالش جدی روبه روست؛ طوری که عدم حجیت مطلق قیاس، نزد مشهور امامیه از ضروریات مذهب به شمار می آید (حائری، بی تا، ۵۵۴).

۷-۴. کلیت و شمولیت مقاصد

مقاصد، باید کلی و قابل تعمیم بر موارد مختلفی باشد و کلیت آن، به گونه ای باشد که ما را از نگاه جزئی و مقطعی رها سازد. بنابراین، ما در پی کشف ضوابط برای مقاصد کلی شریعت هستیم تا با آن بتوانیم قواعد و احکام عامی صادر کنیم. شمولیت و جامعیت، از ویژگی های شریعت اسلام است که در پرتو آن، احکام و مقررات شریعت شامل همه زمان ها و مکان ها می شود و همچنین همه مراحل و شئون زندگی انسان را تحت پوشش قرار می دهد. به دلالت آیات قرآن کریم، اسلام قدرت پاسخ گویی به همه نیازهای هدایتی بشر را دارد (انعام، آیه ۱۱۵)^۱ و برای تمام برهه های زندگی انسان برنامه دارد. از طرفی، آموزه های اسلام محدود به عصر خاصی نیست و تمام بشریت مخاطب آن هستند (یونس، آیه ۱۰۸).^۲ مقاصد هم، چون مقاصد

۱. «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ تمام و کامل بودن قرآن و اسلام اقتضا می کند

که بتواند تمام نیازهای هدایتی انسان را برآورده کند.

۲. «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ

بِوَكِيلٍ». خطاب «ایها الناس»، شامل کل بشریت در طول تاریخ می شود.

شریعتی است که کلیت و شمول دارد، ناگزیر باید از همین ویژگی‌ها برخوردار باشد. پس مقاصد شریعت باید در شرایط مختلف زمانی و مکانی و در عرصه‌ها و مقاطع گوناگون زندگی انسان قابلیت کاربرد و اجرا داشته باشد.

نکته‌ای که باید به آن اشاره شود، این است که کلیت و شمولیت شریعت، دارای درجاتی و مراتبی است که به تبع آن، مقاصد شریعت نیز درجات و مراتبی پیدا می‌کند. در مقایسه درجات و مراتب با یکدیگر، کلیت و جزئیت نسبی و نه نفسی به وجود می‌آید که هر دو مورد تأیید و تأکید این بحث است.

نتیجه

۱. مقاصد شریعت، اهدافی است که رسیدن به آن مورد نظر و مطلوب شارع است و تحقق آن اهداف، تأمین‌کننده سعادت زندگی دنیوی و اخروی انسان است.

۲. با استقرای آیات قرآن کریم، به دست می‌آید که خداوند متعال در تشریع احکام برای بندگان، به اصول مهمی مانند حفظ دین، نفس، عقل، نسل، مال توجه داشته است. بنابراین، فقیه هم در استنباط حکم باید به این اصول پایبند باشد و آن‌ها را سرلوحه قرار دهد.

۳. پنج مورد ذکرشده، مقاصد ضروری شریعت هستند که بالاترین مرتبه مقاصد است. حاجیات در رتبه بعد از ضروریات قرار دارد که و مکمل آن است و تحسینیات هم متمم حاجیات است. بنابراین، مقاصد شریعت درواقع چیزی جز ضروریات نیست همراه با اوصاف و شرایطی که دانشمندان مقاصدی، از آن به حاجیات و تحسینیات تعبیر کرده‌اند.

۴. مقاصد ضروری پنج‌گانه انحصاری نیست؛ بلکه امکان افزایش یا کاهش و ادغام بعضی از موارد آن وجود دارد.

۵. مقاصد شریعت از راه دلیل عقلی و نقلی (آیات و روایات) قابل اثبات است.
۶. نسبت علت‌های احکام به مقاصد شریعت، مانند رابطه علت غایی و غایت است. همان‌طور که علت غایی، منشأ صدور حکم و غایت، حقیقت خارجی آن است، مقاصد شریعت هم تحقق خارجی تعلیلات احکام هستند.
۷. نسبت بین مقاصد شریعت و حکمت‌های احکام، تباین است.
۸. ویژگی‌های مقاصد شریعت عبارت‌اند از: شرعی و دینی بودن، عقلی بودن، یقینی بودن یا مستند بودن به ظنون معتبره، کلیت و شمولیت.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا* علیه السلام، لاجوردی، مهدی، تهران، نشر جهان.
۳. _____ (۱۳۸۵ش)، *علل الشرائع*، قم، کتاب فروشی داوری.
۴. _____ (۱۴۱۳ق)، *من لایحضره الفقیه*، غفاری، علی اکبر، دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن تیمیة الحرانی، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم (۱۴۱۶ق)، *مجموع الفتاوی*، المدينة النبویة، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
۶. ابن عاشور تونسسی، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر (۱۴۲۵ق)، *مقاصد الشريعة الإسلامية*، قطر، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية.
۷. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، احمد فارس صاحب الجوائب، سوم، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
۸. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ق)، *معجم مقانیس اللغة*، عبد السلام محمد هارون، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۹. ابوعبد الله، شمس الدین معروف به ابن امیر الحاج (۱۴۰۳ق)، *التقیریر و التحبیر فی شرح التحریر*، دوم، بی جا، دار الکتب العلمیة.
۱۰. الثعلبی الآمدی، أبوالحسن سیدالدین (بی تا)، *الإحکام فی اصول الأحکام*، عبد الرزاق عفیفی، بیروت، المكتب الاسلامی.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية*، احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۲. حائری، محمد (بی تا)، *کتاب المناهل*، قم، مؤسسه آل البيت.

١٣. الحسنی، اسماعیل (١٤١٦ق)، *نظریة المقاصد عند الامام محمد الطاهر بن عاشور*، هیزندن، فیرجینیا، معهد العالمی للفکر الاسلامی.
١٤. حکیم، محمد تقی (١٤١٨ق)، *الأصول العامة في الفقه المقارن*، دوم، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
١٥. الخادمی، نورالدین بن مختار (١٤٢١ق)، *علم المقاصد الشرعية*، ریاض، مكتبة العبيكان.
١٦. الخادمی، نورالدین (١٤١٩ق)، *الاجتهاد المقاصدي*، دوحه، وزارة الاوقاف والشؤون الإسلامية.
١٧. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٤١٢ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، صفوان عدنان داودی، بیروت، دار العلم - الدار الشامیة.
١٨. الریسونی، احمد (١٤١٢ق)، *نظریة المقاصد عند الامام الشاطبی*، دوم، الدار العالمیة للكتاب الإسلامی.
١٩. زبیدی، محب الدین (١٤٠٤ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، علی شیری، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
٢٠. الزحیلی، وهبه (١٤٠٦ق)، *اصول الفقه الاسلامی*، دمشق، دار الفکر.
٢١. الزرقا، مصطفى احمد (١٤٢٥ق)، *المدخل الفقهي العام*، دوم، دمشق، دار القلم.
٢٢. سبحانی تبریزی، جعفر (١٣٨٣ش)، *أصول الفقه المقارن فيما لا نصّ فيه*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
٢٣. سعدی ابو جیب (١٤٠٨ق)، *القاموس الفقهي لغة واصطلاحا*، دوم، دمشق، دار الفکر.
٢٤. شاطبی، ابراهیم بن موسی بن محمد اللخمی الغرناطی (١٤١٧ق)، *الموافقات*، بی جا، دار ابن عفان.
٢٥. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (١٤١٤ق)، *المحیط في اللغة*، محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الكتاب.
٢٦. طریحی، فخرالدین (١٤١٦ق)، *مجمع البحرين*، حسینی، سید احمد، سوم، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.

۲۷. العلوانی، طه جابر (۱۴۳۱ق)، *مقاصد الشریعة*، بیروت، دار الهادی.
۲۸. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *المستصفی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲۹. الفاسی، علال (۱۹۹۳م)، *مقاصد الشریعة الاسلامیة و مکارمها*، پنجم، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۱. محمدی بامیانی، غلامعلی (۱۴۳۰ق)، *دروس فی الکفایة*، بیروت، دار المصطفی ﷺ، لاحیاء التراث.
۳۲. مظفر، محمدرضا (بی تا)، *المنطق*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۳۳. معلوف، لويس (بی تا)، *المنجد فی اللغة و الاعلام*، بی جا، بی نا.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، *دائرة المعارف فقه مقارن*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۵. میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۸ق)، *قوانین الاصول*، دوم، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة.
۳۶. _____ (۱۴۲۰ق)، *مناهج الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۷. نجم آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۰ش)، *الأصول*، قم، نشر معالم اهل بیت علیه السلام مؤسسه آیه الله العظمی بروجردی.
۳۸. نعمان جغیم (۱۴۳۵ق)، *طرق الكشف عن مقاصد الشارع*، اردن، دار النفائس للنشر و التوزیع.
۳۹. وحید بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۵ق)، *الفوائد الحائریة*، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۴۰. _____ (۱۴۲۶ق)، *حاشیة الوافی*، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.